عدم تطبیق شهر بر شبانه‌روز و وجوه ثبوتی در مدیریت مقدار اضافه شهر

ما این را از خارج می‌دانیم که شهر گردش ماه است؛ از مقارنه تا مقارنه است. از اهلال هلال تا اهلال ماه بعد یک دور است. یک قطعه زمانی است. ثانیه‌ها و دقائق دارد که معلوم است. کما اینکه سال به این صورت است. سال یک دور است. در زیج و رصدخانه –در حرکت ثانیه از غرب به شرق- خورشید به دور زمین می‌گردد یا اینکه زمین به حرکت انتقالی یک دور به دور خورشید می‌گردد. به نقطه اعتدال ربیعی بر می‌گردد. همان جا که سال قبل بوده. یک دور گشته است. این یک دور گشتن زمین و این یک دور گشتن ماه، واقعاً یک حرکت بیرونی برای خودش است، بدء و ختم دارد. در این حرکت دورانی، قطع‌های شب و روز در آن نیست. شب و روز برای حرکت دیگری است که حرکت زمین به دور خودش است.

شب و روز، مال زمین است. مال حرکت وضعی زمین است. نعمتی الهی برای قاطنین کره زمین است. وقتی می‌گویید شب اول ماه، یعنی دارید بین حرکات و آناتی که برای گردش دورانی ماه است، با حرکت وضعی زمین تطبیق می‌کنید. لذا وقتی تطبیق برقرار کردید می‌بینید کاملاً بر هم منطبق نیستند. بیست و نه شبانه‌روز و حدوداً دوازده ساعت. البته کم و زیاد دارد. با فاصله پنج-شش ساعت است. وقتی این فاصله از زمانها را روی هم تطبیق می‌دهیم یکی از آنها بیشتر دارد، با این قطعه زمانی اضافه باید چه کار کنیم؟ این روایت یک امر ارتکازی را می‌گوید. می‌گوید آن چه که موضوع دخول شهر است، شب و روز جزء بالذات آن شد یا نه؟ نشد. روز و شب، بالذات جزء حرکت وضعی زمین است. زمین روز و شب دارد. در آن دوران قمر به دور زمین، بالذات که روز و شب ندارید، آن یک دور است و دارد می‌رود. روی کره زمین هم عده‌ای شب دارند و عده‌ای روز دارند. «دخل الشهر الحرام» به چه معنا است؟ یعنی هلال که اهلال شد، ثبوت شهر مبارک محقق شد.

اگر به این صورت است، سؤال می‌کنیم؛ در مانحن فیه وقتی آنها می‌خواستند رؤیت هلال بکنند، امام فرمودند آنها به امر ارتکازی گفتند «اذا راوا اهلال قالوا قد دخل»، اگر ساعت دو بعد از ظهر دیدند، کما اینکه در تاریخ زیاد اتفاق افتاده است...؛ در بخش بخش تاریخ رؤیت هلال در کتاب پنج جلدی رؤیت هلال آمده است. این بخش، بخش زیبای این کتاب است. می‌بینید خیلی از وقتها بوده که قبل از زوال رؤیت می شده وخیلی وقتها هم بعد از زوال رؤیت می شده. الآن فرض بگیریم روی این روایت روضه کافی، ساعت دو بعد از ظهر هلال دیده شد. الآن این عبارتی که امام علیه‌السلام فرمودند را باطلاقه می‌توانیم تطبیق بدهیم یا نه؟ «ان اهل بطن نخلة اذا راوا الهلال»، هلال را دیدند و فرض گرفتیم ساعت دو بعد از ظهر است، «قالوا قد دخل الشهر الحرام». خب ساعت دو بعد از ظهر «قد دخل الشهر الحرام» هست یا نیست؟ یعنی الآن بعد از ظهر ما، بعد از ظهر چیست؟ ساعت دو است، خود بعد از ظهر دو تکه شده است. از ساعت دو تا غروب، «دخل الشهر الحرام»؟! یا نه؟! این سؤال، سؤال خیلی خوبی است و اتفاق می‌افتد. امام علیه‌السلام هم به

سیره استشهاد کردهاند و هم اگر این احتمال را تقویت کنیم، به ارتکاز هم عمل کردهاند. یعنی هلال اصل کاری شد، هلال را داریم میبینیم، معلوم است که هلال برای ماه رجب است، دخل الشهر الحرام. خب الآن در ساعت دو داخل شد؟ چه کار کنیم؟ قاتل حرام است یا نه؟

45:30

شاگرد: صدر روایت را به چه صورت معنا میکنید؟

استاد: امام فرمودند «هذا الیوم للیلة المامضیة»، الآن «هذا الیوم» برای شب قبل است، این به چه معنا است؟ یعنی آن چه که مغیریه گفتند، غلط بود. «کذبوا»، چرا؟ چون روی حساب متعارف آنها وقت غروب دیدند. لذا آنها که گفتند امشب برای امروز است، دروغ گفتند. امروز برای دیشب است. برای شب قبل است، نه برای شب بعد. همین اندازه بس است. با این قضیه کبروی ارتکازی منافاتی ندارد که «دخل الشهر الحرام».

شاگرد۲: اطلاق صدر با اطلاق ذیل معارض میشود و نمیتوان به هر دوی آنها اخذ کرد. شما از اطلاق صدر دست برداشتید و به اطلاق ذیل اخذ کردید.

استاد: ببینید در اینجا مقدمه دیگری نیاز است تا ببینیم که هیچ منافاتی ندارد. آن مقدمه این است که ما علی ای حال روز داریم و شب هم داریم. اینها برای حرکت زمین است و برای ساکنین زمین است. یک حرکت دورانی داریم که ماه انجام میدهد و بیست و نه روز و نیم است. صحبت سر این است که بعض احکام داریم که موضوعش روز است. بعض احکام داریم که موضوعش شب است. شب ماه مبارک ای شب اول این دعا را بخوان؛ پس موضوع حکم، شب است. گاهی موضوع حکم، روز است. صدق روز باید معلوم شود. ساعت دو بعد از ظهر دیدیم. امروز روز کدام است؟ در اینجا روز یک واقعه است.

طرح ثبوتی دیگر این است شب و روز را نصفه کنیم. ثبوت همه اینها مفروض است. انشاءالله در ذهن شریفتان این احتمال را ببینید. در توجیه ثبوتی بحث خیلی مطالب خوبی هست. یکی اینکه روز و شب، واحدهای غیرمتجزی هستند. روز، روز است. نمیتوانیم آن را دوتا کنیم. شب هم شب است و یک واحد است. خلاصه یک شب، شب ماه مبارک است؟ یا شب ماه قبل است؟ باید حرف بزنیم. امروز، کما اینکه ساعت دوبعد از ظهر دیدیم، اما روز که یک واحد است؟ نمیتواند دو برچسب داشته باشند. در قول به لیل هم عباراتی هست که من هنوز نرسیدهام. خودتان نگاه کنید. در آن جا دارد: «کانت اللیلة آخر لیلة من جمادی او اول لیلة من رجب». یعنی با «او» آورده شده است. بهنحوی است که قول مغیریه نیست، بلکه خودش مردد است. به آن هم باید برسیم. این هم از نقل هایی است که قابل بررسی است.

شاگرد: در هر صورت این استدلالی که در اینجا دارید خوب است، اما رقیب اصلی را از میدان خارج نمیکند. یعنی قولی که بُعد خاص را مطرح میکند، این با آن جور در میآید. یعنی موضوعیت هلال نمیشود. او هم میتواند استدلال کند که «اذا رأوا الهلال قد دخل شهر الله» با حرف ما هم جور در میآید.

استاد: فعلاً ما کاری به تلسکوپ نداریم. الآن میخواهیم ببینیم «صم للرؤیة» دارد به رؤیت موضوعیت میدهد یا استصحاب است.

شاگرد: این بیان با استصحاب نمیخواند. شما این را آوردید که بگویید این استصحاب آن است. اگر بگوییم برای بعد خاص است، چطور استصحاب میشود؟

استاد: من خواستم بگویم «صم للرؤیة و افطر للرؤیة»، اصل عملی است. وقتی اصل عملی شد، موضوع هلال میشود. اما اینکه هلال کدام یک از آنها است، موضوع هلال میشود.

شاگرد: اینها میگویند موضوع هلال نیست، بلکه بعد خاص است. یعنی هلالی که با چشم عادی دیده میشود طریق به آن بعد خاص است.

استاد: یعنی از جیب خودمان روی حرف شارع بگذاریم؟!

شاگرد: مثل این است که آنها بگویند طریقیت داشتن رؤیت، از جیب خود گذاشتن است.

استاد: حضرت فرمودند «اذا راوا الهلال»، این یعنی «اذا ابتدع القمر»؟! این را که نفرمودند. بلکه فرمودند: «رأوا الهلال». در اینجا موضوع چیست؟ فعلاً ابتدا به مانحن فیه بپردازیم، به آن جا میرسیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 12:34:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 12:36:23 توسط ... .